



بخش پنجم

توضیحات مشترک در تدریس عربی
پایه یازدهم همه درس های کتاب

تأکيدات مهم درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب

۱ کتاب عربی زبان قرآن رشته ادبیات و علوم انسانی پایه یازدهم در هفت درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد. سال تحصیلی حدود ۳۰ جلسه آموزشی دارد. از مهر تا اسفند با حذف دو هفته امتحانات دی ماه ۲۲ جلسه است. دو هفته دوم ماه‌های فروردین و اردیبهشت نیز ۶ جلسه است. از طرفی ماه‌های مهر تا بهمن ۳۰ روزه و دو ماه فروردین و اردیبهشت نیز ۳۱ روزه‌اند؛ لذا ۱۲ روز، یعنی ۲ جلسه دیگر افزوده می‌شود. به عبارت ساده‌تر وقتی که به تقویم نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که یکی از روزهای هفته، پنج بار تکرار شده است. پس تعداد جلسات سال تحصیلی بر مبنای زنگ‌های متعارف نود دقیقه‌ای، ۳۰ جلسه است. تدریس کتاب بر مبنای ۲۱ جلسه است. روزهای دیگر سال تحصیلی برای تعطیلات احتمالی و تکرار و تمرین می‌باشد.

۲ دانش‌آموز پایه یازدهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، منفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أَخَوْتُ الصَّغِيرُ».

اسم اشاره (أَمَّا فرق هَذَانِ وَ هَذَيْنِ وَ هَاتَانِ وَ هَاتَيْنِ تدریس نشده است)

کلمات پرسشی (هل، أ، آین، كَمْ، مَتَى، كَيْفَ، مَا «بِمَ، مِمَّ، عَمَّ، مَاذَا، ماهو، ماهي» لِمَ، لِمَاذَا، أَيْ، مَنْ «مَنْ هُو، مَنْ هِيَ»)

ساعت‌خوانی (حالت کامل، حالت مانده به و حالت گذشته)

وزن و ریشه کلمات (در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است).

عددهای اصلی ۱ تا ۱۰۰ (بدون توجه به قواعد معدود و ویژگی‌های دشوار نحوی آن)

معدود ۳ تا ۱۰ به صورت مضاف الیه و جمع است. عددهای ۱۱ تا ۹۹ مفردند.

عددهای ترتیبی یکم تا بیستم

تشخیص و ترجمه فعل مجهول و تشخیص نایب فاعل به صورت اسم ظاهر (نه ضمیر)

جایگاه نون وقایه.

تشخیص المحل الإعرابي؛ یعنی فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، صفت، مضاف الیه، جار و مجرور؛ مجرور

به حرف جرّ. أمّا تشخیص اعراب (اصلی و فرعی) هدف نیست و تشخیص علامت اعرابی رفع، نصب

و جرّ اسم‌ها (فاعل مرفوع، مفعول منصوب، مبتدا و خبر مرفوع، مضاف الیه مجرور، نایب فاعل مرفوع)

تشخیص نوع باب و صیغه فعل مانند «مفرد مذکر غایب» و ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرّد و مزید و تشخیص آنها از اهداف آموزشی است.

تشخیص چندم شخص فارسی هدف نیست؛ مثلاً چنین سوّالی مردود است:

تسترّجین چندم شخص است؟

اگر دانش‌آموز فعل را در حالت «سوم شخص مفرد» حفظ کند، برای کمک به شناخت فعل و ترجمه آن اشکالی ندارد. اما صرف این افعال به روش متعارف چهارده صیغه از اهداف نیست؛ بلکه شناخت و ترجمه آنها در جمله هدف است. معلّم نیز می‌تواند برای آموزش ابواب از وزن آنها استفاده کند. (اِسْتَفْعَلُ، يَسْتَفْعِلُ، اِسْتَفْعَلُ، اِسْتَفْعَلُ).

دانش‌آموز باید «تُم» را در «فَعَلْتُمْ» بشناسد و چنین فعل‌هایی را به دنبال آن درست ترجمه کند: خَرَجْتُمْ، تَخَرَّجْتُمْ، أَخْرَجْتُمْ و اِسْتَخْرَجْتُمْ.

تصوّر برخی افراد از درس عربی این است که عربی یعنی صرف فعل، اسم اشاره، اسم موصول، و دانش‌آموزان را ملزم به حفظ چنین مواردی می‌کنند، در حالی که همه اینها باید در داخل جمله باشد.

در همه جای کتاب آموخته‌های پیشین تکرار شده است، تا با گذر زمان کم‌کم این آموخته‌ها ملکه ذهن فراگیر شود.

۲ متن درس اوّل با عنوان مواعظ قیّمة آراسته به آیات ۱۷ تا ۱۹ سوره لقمان است. اندرزهای لقمان حکیم به فرزندش که برای جوانان این مرز و بوم ارزشمند است و دل و جان آنان را صفا می‌بخشد.

۴ قواعد درس اوّل درباره شناخت اسم تفضیل و اسم مکان است. نیازی به تشخیص اسم جامد از مشتق نیست. دانستن اینکه کلماتی مانند جدار، کتابه و استخراج جامدند، تأثیری در فهم متن ندارد. جایگاه چنین مطالبی در دروس تخصصی دانشگاه است نه در مدرسه. دانستن اینکه کلمه طریق، جامد است، یا مشتق، کمک چندانی به دانش‌آموز در فهم متن که هدف اصلی درس عربی است نمی‌کند. حتّی در این مورد میان بزرگان زبان و ادبیات عرب اختلاف نظر وجود دارد.

۵ موضوع متن درس دوم آرایه ادبی تلمیح است. تلمیح در ادبیات فارسی رایج است. شاعران ایرانی به فارسی و زبانی دیگر که معمولاً عربی است شعر سروده‌اند. دو مَلَمَع از سروده‌های حافظ لسان‌الغیب و شیخ اجل سعدی در درس آمده است. هدف این است که در کنار خواندن متون نظم دلنشین، دانش‌آموز را با این حقیقت رو به رو سازیم که زبان و ادبیات فارسی و عربی پیوندی ناگسستنی دارند و سرایندگان شیرین سخن ایرانی، زبان عربی را به عنوان زبان فرهنگ و تمدن اسلامی می‌شناختند؛ از این رو، در سروده‌های پارسی از عبارات‌های عربی بهره می‌بردند و این نشانگر علاقه و توانمندی آنان در تسلط به زبان عربی است. در نظرسنجی‌هایی که از دانش‌آموزان و دبیران به عمل آمد مَلَمَعات رأی بالایی گرفت. اغلب افراد دوستدار چنین بخشی در کتاب‌درسی‌اند. قواعد درس دوم درباره شناخت و ترجمه اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه است. اسم فاعل و اسم مفعول از ثلاثی مجرّد و مزید هر دو آموزش داده شده است.

۶ موضوع متن درس سوم شگفتی‌های آفرینش خداوند است. تفکر در آفریده‌های خدا در رهنمودهای بزرگان دین همواره تأکید شده و با توجه به سنّ پرجوش و خروش جوانی دانستنی‌هایی شنیدنی در متن آمده است که موجب ایجاد علاقه و انگیزه نسبت به درس می‌شود. متن «مطر السمك» و ﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ در پایه دهم نشان داد که دانش‌آموزان چنین متونی را دوست دارند و از سوی دیگر در روایات دینی ما به تفکر در آیات خدا بسیار سفارش شده است.

قواعد درباره اسلوب شرط است. این اسلوب به ویژه در احادیث بزرگان دین بسیار به کار رفته است. دانش‌آموز با نحوه ترجمه ادوات شرط «مَنْ، ما، اِنْ و اِذَا» آشنا می‌شود. فعل شرط و جواب آن را تشخیص می‌دهد. اما آموزش جزم از اهداف نیست. دبیر می‌تواند به جزم فعل شرط و جواب آن اشاره کند؛ ولی اشاره به این مطلب بدین معنا نیست که در امتحان نیز از آن سؤال طرح شود.

۷ متن درس چهارم درباره تأثیر زبان فارسی در عربی است. موضوعی که برای بیشتر دانش‌آموزان و دبیران جالب بوده است و در نظرسنجی‌ها خواستار چنین متنی در کتاب درسی بودند. همیشه دانش‌آموز می‌پرسد اینکه زبان فارسی از زبان عربی واژه‌ستانی کرده؛ آیا به زبان عربی نیز واژه‌دهی کرده است؟ این متن پاسخ به پرسش‌های بسیاری است که خواندن آن برای او شیرین و جذاب است. بخشی در ادامه متن درس آمده است که تنها برای مطالعه است و از آن سؤال امتحانی طرح نمی‌شود.

برخی از این کتاب‌ها تألیف نویسندگان ایرانی و برخی تألیف نویسندگان غیرایرانی است. کتاب‌های بسیاری دربارهٔ معرَبات فارسی نگاشته شده است؛ از آن جمله: *مُعْجَمُ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ مِنْذُ بَوَاكِرِ الْعَصْرِ الْحَاضِرِ*. محمد التَّوْنَجِي. مكتبة لبنان ناشرون. ریشه‌یابی واژه‌ها در قرآن؛ جلال الدین السُّیوطی (برگردان محمدجعفر اسلامی)، شرکت سهامی انتشار.

واژه‌های دخیل در قرآن مجید؛ آرتور جفری (برگردان فریدون بدره‌ای)، توس. *المُهْدَبُ فِي مَا وَقَعَ فِي الْقُرْآنِ مِنَ الْمُعْرَبِ*؛ جلال الدین السُّیوطی، مكتبة مشكاة الإسلامية. قواعد درس چهارم دو بخش است: بخش اول دربارهٔ ترجمهٔ درست اسم معرفه و نکره می‌باشد که به دو نوع معرفه، یعنی معرفه به «ال» و «اسم علم» پرداخته است. دلیل اینکه به چهار نوع دیگر معارف نپرداخته‌ایم این است که اهمیت آنها به اندازهٔ این دو مورد نیست.

بخش دوم دربارهٔ ترجمهٔ فعل مضارع همراه حروف پرکاربرد «أَنْ، لَنْ، كَيْ، لِكَيْ، لِ، حَتَّى» می‌باشد. در این بخش، آموزش اعراب اصلی و فرعی و اعراب فعل مضارع منصوب هدف نیست. دبیر محترم می‌تواند به نصب فعل مضارع اشاره کند؛ اما در امتحان از آن سؤالی طرح نمی‌شود.

▲ متن درس پنجم، داستانی در ستایش راستگویی است. در فرهنگ ایرانی - اسلامی بر صداقت بسیار تأکید شده است و در نکوهش دروغگویی داستان‌ها و روایات بسیاری وجود دارد. در متن درس، داستان کوتاهی ذکر شده است. این داستان برای دانش‌آموزان دلپسند و آراسته به سخنان بزرگان دین است. اندرز مستقیم کمتر تأثیر دارد. شیوهٔ غیرمستقیم به باور کارشناسان مؤثرتر است. دانش‌آموز در قواعد درس پنجم، با معادل‌هایی از ماضی استمراری، ماضی بعید و مضارع التزامی آشنا می‌شود. آنچه لازم است بدانیم این است که آنچه در قواعد درس آمده است فرمول ثابتی نیست؛ مثلاً در جملهٔ «لَوْلا الْمُطَالَعَةُ لَرَسَبْتُ». اگر مطالعه نبود، مردود می‌شدم. در این جمله رَسَبْتُ ماضی استمراری ترجمه شده است، بی‌آنکه مطابق فرمول درس باشد.

برخی آداب سخن گفتن با بهره‌گیری از سخنان بزرگان دین برای دانش‌آموز توضیح داده شده است. هدف از تدریس کتاب پیش رو تنها مهارت‌های چهارگانهٔ زبانی نیست. در بیشتر متون و عبارات کتاب، برنامهٔ پنهان آموزش وجود دارد که هدف آنها آموزش غیرمستقیم فرهنگ ایرانی - اسلامی است. این هدف، مطابق برنامهٔ درسی ملی است.

دانش‌آموز با معادل‌هایی از ماضی استمراری، ماضی بعید و مضارع التزامی آشنا می‌شود. چنین اصطلاحاتی در دستور زبان عربی وجود ندارد و این مبحث صرفاً برای دانش‌آموز فارسی زبان طراحی شده است.

۹ متن درس ششم، به یک داستان تاریخی اشاره دارد. داستان دختر حاتم طائی به نام سَفَّانه که با دیدن رفتار والای پیامبر اسلام ﷺ جذب اسلام می‌شود. دانش‌آموز با خواندن این داستان، با حقایق زیبا و افتخار آفرین در تاریخ اسلام آشنا می‌شود. اصولاً دانش‌آموزان به خواندن داستان علاقه دارند. به ویژه اگر داستان واقعی باشد، تأثیر بیشتری بر دانش‌آموز دارد.

قواعد درس ششم، درباره معانی حروف «لَمْ، لَ و لا» است. هدف این است که دانش‌آموز فعل‌هایی مانند «لَمْ يَسْمَعْ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند. آموزش جزم فعل مضارع و اعراب اصلی و فرعی از اهداف نیست. دانش‌آموز این رشته، فقط دو ساعت، درس عربی دارد؛ لذا امر تدریس با توجه به زمان محدود صورت می‌گیرد. دبیر محترم می‌تواند به جزم فعل مضارع اشاره کند؛ اما اشاره کردن به این معنا نیست که در امتحان نیز از آن سؤالی طرح شود. ۱۰ متن درس هفتم، درباره امید به زندگی است. گاهی به دلایلی برخی دچار ناامیدی می‌شوند. خواندن زندگی‌نامه بزرگانی چون سکاکی، فارابی، آذریزدی و انیشتین و کسانی که دچار معلولیت بوده‌اند، ولی ناامید نشده‌اند و ثابت کردند «معلولیت، محدودیت نیست». موجب تقویت روحیه خواننده شده و در نگرش و اندیشه فرد تأثیر گذار بوده است. وجود افراد ناقص و کم‌توان در جامعه یک حقیقت است. این درس به لحاظ عاطفی در اندیشه و نگرش دانش‌آموز اثرگذار است. گاهی جوانان قدر داشته‌های خود را نمی‌دانند. این متن آنان را به فکر فرو می‌برد.

قواعد درس هفتم، کاربرد فعل‌های ناقص «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ، أَصْبَحَ» در زبان عربی است. دانش‌آموز با معانی مختلف این کلمات آشنا می‌شود. تشخیص اسم و خبر این افعال نیز آموزش داده شده است. اما تشخیص اسم، فقط در حالت ظاهر است و تشخیص اسم افعال ناقصه در حالت ضمیر، هدف نیست.

در این میان، فعل کان بسیار مهم‌تر از بقیه فعل‌هاست، به همین دلیل در بارمبندی نیز تأکید شده است که از این فعل بیشتر سؤال طرح شود. دانش‌آموز با معانی مختلف این فعل‌ها به ویژه فعل کان آشنا می‌شود:

■ **كَانَ الطَّرِيقُ مُغْلَقًا**: راه بسته بود.

■ **﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ الْأَحْزَاب: ۲۴**: بی‌گمان خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

■ **كَانَ** به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی استمراری»؛ مثال: **كَانُوا يَسْمَعُونَ**: می‌شنیدند.

■ **كَانَ** به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی بعید»؛ مثال: **«كَانَ الطَّالِبُ سَمِعَ»** و **«كَانَ**

الطَّالِبُ قَدْ سَمِعَ» به معنای «دانش‌آموز شنیده بود» است.

■ **«كَانَ»** بر سر **«ل»** و **«عِنْدَ»** معادل فارسی «داشت» است؛ مثال:

كَانَ لِي خَاتَمٌ فُضِّيَةٌ. انگشتر نقره داشتم. **كَانَ عِنْدِي سَرِيرٌ خَشِيبٌ**. تختی چوبی داشتم.

مضارع **كَانَ «يَكُونُ»** به معنای «می‌باشد» و امر آن **«كُنْ»** به معنای «باش» است.

دانش‌آموز با معنای **صَارَ** و **أَصْبَحَ** به معنای «شد» آشنا می‌شود.

او باید بداند که مضارع **صَارَ «يَصِيرُ»** و مضارع **أَصْبَحَ «يُصْبِحُ»** است.

همچنین معنای **لَيْسَ** را بداند.

می‌توان اشاره کرد که **لیس** مضارع ندارد.

۱۱ نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است،

یا سال بعد خواهد آمد. دستور زبان عربی وسعت بسیار دارد. اگر قرار باشد همه دستور زبان را در

کتابی قرار داد، یقیناً بیش از هزار صفحه خواهد شد. دانش‌آموز دوره متوسطه، مختصری از قواعد

لازم را می‌خواند و در صورت علاقه‌مندی در دانشگاه آنچه را لازم است خواهد خواند. یک نگاه

ساده و گذرا به مجلدات کتاب «النحو الوافی» عباس حسن نشان می‌دهد که قواعد همچون دریایی

است و دانش‌آموز به اندازه تشنگی‌اش از آن خواهد نوشید.

۱۲ تحلیل صرفی و اعراب، تعریب و تشکیل و اعراب‌گذاری از اهداف کتاب‌درسی نیست. کل

کتاب‌درسی اعراب‌گذاری شده است، تا دانش‌آموز در درست‌خوانی دچار مشکل نشود. شایسته

است طراحان آزمون، متون و عبارات امتحانی را کاملاً حرکت‌گذاری کنند. طرح سؤال امتحانی

درس عربی مستلزم صبر و حوصله است. یک نمونه سؤال استاندارد باید کاملاً حرکت‌گذاری شده

باشد. زمان محدود دو ساعت در هفته برنامه‌ریزان را بر آن داشت تا فقط مطالب مهم را در کتاب

بگنجانند.

۱۳ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های دوره اول متوسطه بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او،

ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این گونه بود: «هو، هُما، هُم، هی، هُما، هُنَّ، اَنْتَ، اَنْتِما، اَنْتُمْ، اَنْتِ، اَنْتِما، اَنْتَنْ، انا، نَحْنُ»؛ اما هدف این نیست که دانش‌آموزان این افعال و ضمائر را طوطی‌وار حفظ کنند.

شیوه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بود و دانش‌آموزان درس را بهتر آموختند. به همین دلیل، این شیوه در کتاب‌های درسی عربی عمومیّت یافت. در کتاب رشته ادبیات و علوم انسانی شناخت صیغه فعل‌ها هدف است؛ و حال آنکه در کتاب مشترک، هدف نیست.

۱۴ تبدیل «مذکر به مؤنث»، یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست. دانش‌آموز باید هر جمله را در ساخت‌های مختلف، درست بشناسد و درست ترجمه کند. این بدان معنا نیست که عین کتاب سؤال داده شود.

۱۵ در امتحان، معنای کلمات داخل جمله خواسته می‌شود. در چند تهرین کتاب درسی معنای کلمه بیرون از جمله است؛ اما شیوه طرح آن همراه با یک نمونه جهت تسهیل آموزش و ارزشیابی آمده است. در شیوه سابق، کلمه بیرون از جمله خواسته می‌شد. شیوه صحیح ارزشیابی از کلمات این است که در جمله پرسیده شوند.

۱۶ روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه، در طول سال، نمره شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد. برگزاری امتحان شفاهی در یک روز امکان ندارد، مگر اینکه کلاس کم جمعیت باشد. روخوانی در کتاب‌های عربی اهمیت ویژه‌ای دارد. دانش‌آموز باید بتواند درست بخواند تا درست ترجمه کند. از آنجا که یکی از مهارت‌های چهارگانه زبانی «خواندن» است؛ لذا این بخش باید تقویت شود. دانش‌آموزی می‌تواند معنای عبارت را بفهمد که درست بخواند. آهنگ بیان جمله‌های خبری، تعجبی، پرسشی و امری با هم فرق دارد. روان‌خوانی، اوج هنر دانش‌آموز در درس عربی است که در سایه تسلط نسبی او به زبان به دست می‌آید.

۱۷ در کتاب فضای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است تا به دفتر تمرین نیازی نباشد. تنها در متن درس فضایی برای نوشتن نیست که با نهادن یک برگه در کتاب، مشکل حل می‌شود. متأسفانه دیده شده است که برخی همکاران از دانش‌آموزان می‌خواهند تا کل کتاب را به دفتر منتقل کنند. این کار واقعاً آزار دهنده است و نه تنها سودی ندارد، بلکه موجب نفرت دانش‌آموز به درس عربی می‌شود. در میان مهارت‌های چهارگانه زبانی مهارت نوشتن در کتاب

درسی، چندان پر رنگ دیده نشده است؛ زیرا الفبای ما عربی است و جز در چند حرف، آن هم به شکلی ناچیز و کم اهمیت تفاوتی وجود ندارد. در درس انگلیسی دیکته اهمیت دارد؛ زیرا الفبای انگلیسی کاملاً با فارسی فرق دارد، ولی در درس عربی این طور نیست. الفبای فارسی در اصل همان الفبای عربی است.

۱۸ از همکاران ارجمند درخواست می‌کنیم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ شش کتاب درسی عربی مجموعه‌ای یکپارچه‌اند و آموزش برخلاف اهداف درسی به روند آموزش آسیب می‌رساند. آنچه دانش‌آموز برای فهم متن نیاز دارد، در کتاب درسی آمده است.

۱۹ دانش‌آموزان با هر دو فعل مجرّد و مزید در کتاب درسی، درون متن و عبارت آشنا شده‌اند؛ هرچند در تمرینات فقط با صرف فعل‌های ثلاثی مجرّد صحیح و سالم روبه‌رو شده‌اند؛ امّا فعل‌های مزید و حتّی فعل‌های مهموز، مضاعف و معتل نیز در کتاب به کار رفته است؛ مانند آمَنَ، اتَّقَى، أَتَى، أَجَابَ، أَحَبَّ، احْتَرَقَ، اِشْتَرَى، أَصَابَ، أَعْطَى، جَرَى، حَاوَلَ، عَلَّمَ، دَارَ، سَمَى و ... در کتاب یازدهم بدون ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرّد و مزید، این فعل‌ها بازآموزی شده‌اند. دانش‌آموز قبلاً با شناسه‌های فعل‌های ثلاثی مجرّد آشنا شده است. در حقیقت هدف آموزشی کتاب این است که دانش‌آموز با فعل‌هایی آشنا شود که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است. نیازی به ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرّد و مزید نیست و تشخیص ثلاثی مجرّد و مزید و ذکر نوع باب آن از اهداف آموزشی نمی‌باشد. فعل‌های معتل، مهموز، مضاعف و هر گونه فعلی که تغییرات پیچیده صرفی دارد، از اهداف کتاب نیست؛ مثلاً در کتاب، فعل اِسْتَشَارَ به کار رفته و فعل استفعل نیز آموزش داده شده است؛ امّا نباید از فعل اِسْتَشِيرُ سؤال طرح شود؛ ولی اگر معنای اِسْتَشَارْتُ پرسیده شود اشکالی ندارد؛ چون تغییراتی در مقایسه با اِسْتَشَارَ ندارد. منظور از تغییرات پیچیده، مواردی مانند حذف حرف عله، ادغام و فکّ ادغام، املائی همزه و هرگونه قاعده‌ای است که مربوط به فعل‌های غیرصحیح و سالم می‌باشد. اینکه دانش‌آموز بتواند تشخیص دهد فعل تَدْخُلُ ثلاثی مجرّد و فعل تَدْخُلُ ثلاثی مزید است، کمکی به او در فهم متن نمی‌کند و تنها راه برای معما سازی در ارزشیابی‌ها باز می‌شود. با توجه به زمان محدود به جای اینکه وقت معلّم صرف تشخیص مزید از مجرّد شود، بهتر است صرف معنای افعال شود. در اینجا ارجحیت آموزشی این است که دانش‌آموز معنا را بیاموزد و بهتر است دبیر گرامی، وقت خودش را در این زمینه صرف کند. از سوی دیگر معنای فعل

در آزمون‌ها همان‌گونه که در بارم‌بندی نیز ذکر شده است، باید با استفاده از فعل‌های آسانی مانند دَخَلَ، خَرَجَ، صَبَرَ، عَبَرَ، كَتَبَ، جَلَسَ و مانند اینها باشد و قرائنی مانند ضمیر و اسم اشاره نیز به کمک بیایند. آنچه باید سرلوحه کار خود قرار دهیم این است که ما می‌خواهیم دانش‌آموز بیاموزد و از یاد گرفتنش لذت ببرد. برخی دبیران به تقلید از کنکور و مسابقات، پرسش‌هایی مطرح می‌کنند که نه تنها مفید نیست، بلکه مضر نیز می‌باشد.

آمادگی برای آزمون‌های سراسری و مسابقات نیازمند ساعت جداگانه و کاری مستقل است که در کلاس درس نمی‌توان به آن پرداخت.

معانی ابواب واقعاً آن‌طور که گروهی تصور می‌کنند قطعی و غالب نیستند؛ بلکه از معروف‌ترین و پرکاربردترین آنها هستند. به همین دلیل در کتاب ذکر نشده‌اند. معمولاً معنای تعدیه (تبدیل فعل لازم به متعدی) را برای باب افعال ذکر می‌کنند؛ ولی مثال‌های بسیاری هستند که این‌گونه نیستند. این در حالی است که معنای باب افعال قاعده‌مندتر از سایر ابواب است؛ مانند اَفْلَحَ: رستگار شد، اَسْرَعَ: شتافت، اَسْلَمَ: مسلمان شد، اَصْبَحَ: صبح شد، وارد صبح شد، اَكْبَرُ: بزرگ یافت، اَبَاعَ: برای فروش نهاد، اَحْصَدَ: وقت درو شد، اَشْكَى: شکایت را برطرف کرد.

در بسیاری از فعل‌های باب استفعال، اغلب معنای درخواست وجود ندارد؛ مثال:

استحجر الطینُ. (گل، سنگ شد).

استعظمتُ الأمرُ. (مطلب را بزرگ یافتم).

استخلفتهُ. (او را جانشین خود کردم).

استجراً. (جرئت را بر خود تحمیل کرد، به زحمت جرئت نشان داد).

أرحتهُ فاستراحَ. (او را راحت کردم، پس او راحت شد).

معنای مجرد، مانند قَرَّ یا استقرَّ (آرام گرفت).

۲۵ در طراح‌ی سؤال درک مطلب در کنکور و در آزمون‌های مدرسه از متون کتاب استفاده می‌شود؛ در صورتی که متنی غیر از کتاب درسی طرح می‌شود، نباید واژه‌ای خارج از واژگان انتهای کتاب داشته باشد، یا اینکه ترجمه فارسی آنها ارائه شود. طرح سؤال درک مطلب کار بسیار سختی است. شاید در نگاه اول کاری بسیار ساده باشد. طرح درک مطلب، در حقیقت نوعی سهل و ممتنع است. طراح‌ی متنی که واژگان و ساختار آن بر اساس آموخته‌های دانش‌آموز باشد و قابلیت طرح

سؤال با کلماتی مانند متی، کیف، هل، أ، أين، لماذا، لِمَنْ، مَنْ، مِمَّن، بِمَ و ... داشته باشد، کاری دشوار است. البته پاسخ دادن برای دانش‌آموز آسان است.

۲۱ صورت سؤال به زبان عربی است؛ اما شایسته نیست واژگانی که دانش‌آموز نخوانده است در آن باشد.

۲۲ پژوهش‌های انتهای هر درس، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستان‌نویسی کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود. مدرسی که وقت اضافی دارند، یا دانش‌آموزانی خاص ثبت‌نام کرده‌اند، یا تعداد دانش‌آموزان‌شان کم است، می‌توانند به عنوان فوق برنامه در چنین زمینه‌هایی دانش‌آموز را فعال کنند. نمره این بخش را در نوبت اول، یا مستمر می‌توان تأثیر داد. برخی می‌گویند: «هنوز آمادگی پژوهش در نظام آموزشی ایران وجود ندارد» اما نمی‌توان به این بهانه از جایی شروع نکرد و ناامیدانه برخورد و تصمیم‌گیری کرد.

۲۳ در هر آزمونی مترادف و متضاد در محدوده تمرینات چهار کتاب پیشین و کتاب کنونی است.

۲۴ هدف از بخش «بدانیم» کمک به فهم متن و عبارت است. دانش‌آموز این دو بخش را می‌آموزد تا به کمک آنها درست بخواند، بشنود، بفهمد و ترجمه کند. در واقع قواعد در خدمت فهم عبارت و متن است.

۲۵ از دانش‌آموز بخواهیم بخش سخنی با دانش‌آموز را بخواند و از والدینش نیز بخواهد بخش سخنی با اولیا را بخوانند.

۲۶ می‌توانیم از دانش‌آموزان بخواهیم تا داستان‌های کوتاه را ترجمه کنند؛ سرود و نمایش اجرا کنند و عبارات ساده و کوتاه مانند سخنان حکمت‌آمیز و ابتهامات و مطالب علمی کوتاه را ترجمه کنند. فضا برای کارهای شاد مناسب است. ولی قاعده‌زدگی تدریس عربی، همگان را جذب قواعد کرده است. حقیقت این است که آموزش قواعد در هر زبانی کاری ساده است، ولی تدریس متن‌محور کاری دشوار است. ارزشیابی از مطالب صرفی و نحوی آسان است، ولی ارزشیابی از روان‌خوانی و مکالمه بسیار سخت است.

۲۷ سیاست تألیف در تمامی بخش‌های کتاب، مبنی بر ساده‌سازی و جذابیت است؛ لذا بزرگ‌ترین مسئولیت معلم این است که با هنرمندی، کتاب را به ساده‌ترین روش به دانش‌آموز تدریس کند. هنر معلم، علاقه‌مند کردن دانش‌آموز نسبت به درس عربی است؛ در امتحانات از

طراحی سؤالات معماگونه خودداری می‌کنیم. آزمون‌های مدارس خاص و آزمون‌های طراحی شده توسط مؤسسات خصوصی، زمینه انحراف از مسیر آموزش را فراهم می‌سازند. اگر تدریس درس عربی و سایر دروس ساده بوده و پیچیدگی نداشته باشد؛ برخی سودجویان متضرر می‌گردند. آشفتگی وضعیّت آموزش و سختی تمرینات و سؤالات امتحانی زمینه را برای بهره‌برداری برخی سودجویان فراهم و دانش‌آموزان را نیز از درس عربی گریزان می‌سازد. از این رو، با مقالات و سخنرانی‌های بسیاری توسط کارشناسان و صاحب نظران در مذمت سؤالات غیر استاندارد برمی‌خوریم.

۲۸ تعریب از اهداف کتاب درسی نیست؛ دانش‌آموز باید بتواند جمله عربی را بخواند و ترجمه کند و البته قدرت تشخیص درست از نادرست را نیز داشته باشد. در این دو پایه از او «ساختن جمله عربی» خواسته نمی‌شود. (در مهارت مکالمه، یعنی پاسخ‌گویی به کلمات پرسشی این استثنا وجود دارد؛ زیرا در مکالمه باید بتواند پاسخ کوتاه دهد که انتظار در حدّ یک یا دو کلمه ساده است و نظر به لزوم سرعت عمل در پاسخ‌دهی به سؤال شفاهی، رعایت ظرافت‌های دشوار و فنی زبان فعلاً لازم نیست.)

۲۹ در پاسخ‌گویی به جمله استفهامی باید به پاسخ کوتاه بسنده شود. پاسخ کامل مدنظر نیست. هرچند اگر دانش‌آموز پاسخ بلند دهد بهتر است. برای نمونه، در پاسخ به چنین سؤالی «لِمَاذَا تَدْرُسُ؟» پاسخ «لِلنَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ» کافی است و نمره کامل تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر لازم نیست چنین پاسخ داده شود: «أَنَا أَدْرُسُ لِلنَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ» از آنجا که در رویکرد برنامه درسی عربی، پرورش مهارت‌های زبانی آمده و سخن‌گفتن نیز یکی از این موارد است؛ لذا بخش «اسماء و حروف استفهام» استثنا شده است.

پیشنهاد می‌شود دبیر برای امتحان مکالمه آلبومی از عکس در کاور یا سلیفون تهیه کند و در آن تصاویر لازم را در اندازه‌های بزرگ داشته باشد، یا در صورتی که در مدرسه هوشمند تدریس می‌کند، فایل تصاویر مورد نیازش را از قبل تهیه کند. همچنین می‌توان بخشی از نمره مکالمه را به معرفی دانش‌آموز از خودش اختصاص داد. دانش‌آموز بتواند در یک دقیقه خودش را به زبان عربی معرفی کند. همچنین نمره شفاهی دانش‌آموزانی که داوطلب اجرای سرود یا نمایش یا مکالمه گروهی در کلاس می‌شوند را می‌توان از همین مورد منظور کرد.

۳۰ تجربه نشان داده است که بیشتر کتاب‌های کار، زمینه انحراف از مسیر صحیح آموزش و دور

افتادن از اهداف آموزشی و آسیب رساندن به روند آموزش را فراهم می‌کنند. نداشتن کتاب کار بهتر از داشتن کتاب کار نامناسب است. اگر معلّمی کتاب کار تهیه کرد؛ تأکید می‌کنیم که کلاس درس، جای پرداختن به آن نیست و حلّ تمرینات آن در منزل باید صورت بگیرد. زمان اختصاص یافته به درس عربی (دو ساعت در هفته) برای تدریس این کتاب و حلّ تمرین‌های آن است؛ لذا اگر وقت اضافی داشت می‌تواند تمرینات کتاب کار را نیز حل کند در غیر این صورت، کتاب درسی نباید لطمه ببیند. گروه‌های آموزشی در این زمینه باید نقش فعّال و ارشادی داشته باشند.

۳۱ پس از هر متن واژگان جدید قرار دارد. هدف از این کار، ساده‌سازی آموزش است. هدف این نیست که دانش‌آموز قبل از شروع درس این واژه‌ها را حفظ کند. حفظ واژه‌ها باید در طيّ خواندن متون و عبارات اتّفاق بیفتد. دیده شده است برخی همان آغاز تدریس از دانش‌آموزان می‌خواهند معنای لغت‌ها را حفظ کنند. این کار کاملاً نادرست است.

۳۲ مبنای گزینش آیات، احادیث و امثال به‌کار رفته در کتاب چند مورد بوده است:

سادگی الفاظ؛ سادگی ساختار و مطابقت آن با آموزش کتاب درسی؛ کاربری بر اساس نیازهای روز؛ تناسب با سطح درک و فهم دانش‌آموز نوجوان. دانش‌آموز باید بتواند در زندگی به هنگام نیاز به امثال و حکم خوانده شده استشهاد کند؛ مثلاً درباره «احترام به محیط‌زیست» به این حدیث شریف از حضرت علی علیه السلام استشهاد کند: **إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ**. این هدف تا پایان کتاب درسی از اهداف اصلی کتاب است، اما نباید با اکراه و اجبار دانش‌آموزان را وادار به حفظ این عبارات نمود؛ بلکه شایسته است با تغییر نگرش، ایجاد علاقه و با هنر معلّمی، دانش‌آموزان را علاقه‌مند نمود تا این عبارات را حفظ کنند، و در هنگام لزوم از آنها استفاده کنند. سخنان بزرگان و امثال و حکم به گونه‌ای هستند که سرشت پاک مایل است آنها را بیاموزد، و به آنها استشهاد کند.

۳۳ گزینش تصاویر بر اساس برنامه درسی ملی است: مسائل فرهنگی و تربیتی، دوری از تنش‌آفرینی، توجّه به امور مهمّی مانند ارزش‌های دینی، احترام به محیط‌زیست، میهن‌دوستی، به‌روز بودن تصاویر، ایجاد جدّاییّت در کتاب، شاد بودن موضوعات، علمی بودن آنها، زیبایی تصاویر. **۳۴** دانش‌آموزان بسیاری از آموخته‌ها را بعد از دانش‌آموختگی از یاد خواهند برد، ولی خاطرات تلخ و شیرین ماندگارند. آنچه در تدریس بسیار مهم است برخورد‌های درست، دلسوزانه و عالمانه است. مهم این است که پس از فراغت از تحصیل خاطرات شیرینی از کتاب، معلّم و مدرسه به جای بماند.

الگوی پیشنهادی جهت تدریس قسمت‌های هشتگانه هر درس

کتاب عربی یازدهم هفت درس دارد و هر درس از هشت بخش تشکیل شده که برای هر یک روشی متناسب با اهداف کتاب و برنامه درسی پیشنهاد شده تا دبیر بهتر بتواند به اهداف آموزشی برسد. بی‌گمان دبیران محترم نیز روش‌هایی برای خود دارند، ولی این روش‌ها باید از وحدت رویه برخوردار باشند. هدف کتاب معلّم که پل ارتباطی بین مؤلّف و معلّم است؛ تعیین چارچوبی است که هم اهداف برنامه درسی ملی محوریت داشته باشد و هم معلّم بتواند در آن، توانمندی‌های فردی خود را به نمایش بگذارد.

ساختار درس‌ها در کل کتاب درسی پایه یازدهم

قسمت‌های هشتگانه کتاب عربی، زبان قرآن:

- ۱ صفحه مصوّر ورود به درس
- ۲ متن اصلی درس
- ۳ واژگان جدید متن درس
- ۴ درک مطلب متن درس
- ۵ قواعد درس تحت عنوان «اعلموا»
- ۶ مکالمه (در برخی دروس)
- ۷ تمرینات ناظر بر قواعد و واژگان درس
- ۸ پژوهش (البحث العلمي) در برخی درس‌ها

تحلیل قسمت‌های هشتگانه هر درس

هدف برنامه درسی از بخش‌های مذکور، بررسی دقیق ابعاد مختلف محتوا، معرفی قواعد، ارائه توضیحات جهت رفع ابهامات و پیشنهاد روش‌هایی است که معلّم به یاری آن بتواند با تسلّط و آگاهی بیشتر به امر تدریس بپردازد. کتاب در این قسمت، معلّم را با مراحل مختلف تدریس، مهارت‌های مورد نظر و چگونگی اجرای آن آشنا می‌کند و الگویی را برای تدریس کلیه دروس و بخش‌ها در اختیارش قرار می‌دهد؛ تا آموزش را برای وی تسهیل نماید.

۱ صفحه ورود به درس:

صفحه‌ای مستقل مزین به آیه‌ای از قرآن مجید یا حدیثی از معصومین علیهم‌السلام همراه با تصویری زیبا، به لحاظ روانی دانش‌آموز را برای ورود به درس آماده می‌سازد. تصاویر و نوشته‌های صفحه ورودی به گونه‌ای هستند که با استفاده از آن می‌توان آمادگی خوبی را ایجاد کرد.

۲ متون:

در بخش روان‌خوانی و ترجمه متن نیز باید سهم مشارکت معلم و دانش‌آموز مشخص شود و اینکه هر یک از معلم و دانش‌آموز چه وظیفه‌ای دارند. روش‌های مختلفی را برای این بخش می‌توان به کار برد. یکی از بهترین روش‌ها این است که به فرض نیم ساعت به دانش‌آموزان فرصت بدهیم تا خودشان متن را ترجمه کنند و این کار را به صورت گروهی انجام دهند و در پایان، دبیر برگه‌های ترجمه را جمع‌آوری کند و فقط یک برگه را تصحیح کند. او می‌تواند عکسی از برگه ترجمه بگیرد و برگه دانش‌آموز را پس دهد. سپس در کلاس، ترجمه درست را سریع بگوید. اگر کلاس درس سی نفر دانش‌آموز در گروه‌های پنج نفره داشته باشد، در مجموع شش برگه تصحیح می‌شود. لازم نیست که تصحیح از بیست نفره باشد. ارزشیابی توصیفی در چنین مواردی بهتر است. نمره آن یک نفر نشانگر نمره گروه است. حتماً نباید برگه سرگروه تصحیح شود.

مرحله اول (شنیدن): اولین وظیفه بر عهده معلم است که با روان‌خوانی، مهارت شنیداری دانش‌آموزان را تقویت کند.

در این بخش، استفاده از کتاب گویا تأکید می‌گردد. اگر وقت معلم کم است از دانش‌آموزان بخواهد در منزل، کتاب گویا را گوش دهند.

مرحله دوم (خواندن): دانش‌آموزان بر اساس روشی که معلم پیشنهاد می‌دهد؛ به قرائت می‌پردازند تا مهارت گفتاری تقویت گردد. هر بار که یکی از دانش‌آموزان قرائت می‌کند، معلم به او نمره روخوانی می‌دهد.

مرحله سوم (ترجمه مقدماتی): دانش‌آموزان با کمک گرفتن از ترجمه واژگان انتهای متن درس، به ترجمه هر عبارت می‌پردازند و توانمندی خود را در ترجمه می‌آزمایند تا نقاط ضعف و قوت آنان مشخص شود و مهارت درک و فهم آنها ارتقا یابد.

چند روش در اینجا وجود دارد:

از دانش‌آموزی می‌خواهیم یک یا دو سطر را ترجمه کند، سپس ما بر ترجمه او نظارت می‌کنیم؛ یک دانش‌آموز را مأمور می‌کنیم که اگر اشکالی در ترجمه هم‌کلاسی‌اش وجود داشت آن را اصلاح کند، یا اینکه می‌گوییم همه دانش‌آموزان هنگام ترجمه دانش‌آموز پاسخ‌دهنده، باید آماده باشند و معلّم به‌طور تصادفی از یکی از دانش‌آموزان اشکالات احتمالی ترجمه را بپرسد. هر یک از این شیوه‌ها در جای خود سودمندند. گاهی دبیر در صورت کمبود وقت می‌تواند خودش بخواند و خودش نیز ترجمه کند. روشی که در وهله نخست، شاید به نظر بیاید نامناسب است و دانش‌آموز فعّال نیست، ولی از روی ناچاری و به دلیل تعطیلی‌های اضطراری، یا هر علت دیگری که پیش آمده است ضرورت دارد. اصولاً روش تدریس به عوامل بسیاری بستگی دارد. در این روش، معلّم باید هر چند لحظه یک بار ترجمه برخی قسمت‌ها را از یک دانش‌آموز بپرسد. در این شیوه تدریس سریع‌تر انجام می‌شود.

در مدرسی که امکانات مناسبی دارند می‌توان ترجمه متن درس را در برگه‌ای به صورت ناقص نوشت و تکثیر کرد و از دانش‌آموزان خواست در گروه‌های چند نفره ترجمه ناقص را کامل کنند. این روش فوق‌العاده سریع انجام می‌شود، ولی لازمه آن زحمت برای دبیر و کادر مدرسه برای تکثیر کاربرگ است.

مرحله چهارم (ترجمه نهایی): معلّم در ادامه روش مقدماتی به عنوان راهنما، خطاهای ترجمه دانش‌آموز را اصلاح می‌کند و ترجمه نهایی را ارائه می‌دهد. در حقیقت مرحله مقدماتی و نهایی بدون فاصله‌اند.

مرحله پنجم (پیام درس): در این مرحله، معلّم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا پیام درس را بگویند. برای پیوند میان ادبیات فارسی و عربی می‌توان از آنان خواست تا پیام درس را با جمله‌ای نغز در زبان فارسی بیان کنند، یا برای پیوند میان درس قرآن و معارف اسلامی می‌توان از آنان خواست تا اگر آیه یا حدیثی در این مورد می‌دانند؛ ذکر کنند. این بخش برای دانش‌آموز لذت‌بخش است و پیوند مناسبی میان ادبیات فارسی و عربی ایجاد می‌شود. بدیهی است تنظیم وقت لازم است وگرنه زمان از دست می‌رود.

خلاصه مراحل ترجمه:

مراحل ترجمه	هدف	نقش دانش‌آموز	نقش معلم
مرحله اول	تقویت مهارت شنیدن	شنیدن	روان خوانی
مرحله دوم	تقویت مهارت خواندن	خواندن	نظارت و راهنمایی
مرحله سوم	تقویت مهارت ترجمه	ترجمه عبارات (مقدماتی)	نظارت و راهنمایی
مرحله چهارم	تقویت مهارت درک و فهم	ترجمه عبارات (نهایی)	تصحیح و تکمیل
مرحله پنجم	تقویت مهارت کاربرد (بیان مصداقی از کاربرد عبارت یا پیام درس)	مصداق‌یابی	تصحیح و تکمیل

۳ واژگان:

دلیل قرار دادن معجم، پس از متن این است که دانش‌آموز با آسودگی و سرعت بیشتری در فرایند ترجمه فعال باشد؛ معلم دانش‌آموز را در ترجمه مشارکت می‌دهد؛ تا توانایی ترجمه را در او به‌پروراند و این امر در راستای فعالیت و مشارکت دانش‌آموز در فرایند یادگیری قرار دارد. این بخش تقریباً در پنج دقیقه تدریس می‌شود. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، هدف این نیست که در همان آغاز، دانش‌آموز همه کلمات جدید را یاد بگیرد؛ بلکه هدف این است که با آنها آشنا شود. برخی همکاران چنین پنداشته‌اند که هدف این است که همان اول کار از دانش‌آموز بخواهیم تا در عرض چند دقیقه معنای لغت‌ها را حفظ کند؛ این کار بی‌گمان نادرست است. می‌توان در صورت داشتن زمان مناسب واژه‌پژوهی کرد؛ مثلاً ارتباط کلمات را از نظر مراعات نظیر، متضاد یا مترادف و هم‌خانواده برخی کلمات دید.

از دانش‌آموز می‌پرسیم متضاد یا مترادف فلان کلمه چیست؟

کدام کلمات در المعجم با هم ارتباط معنایی دارند؟

در انجام این کار نباید زیاده‌روی کرد؛ چون وقت کلاس از دست می‌رود.

در طرّاحی آزمون از بخش کاربرد واژگان می‌توان از تشخیص کلمه ناهماهنگ، مترادف و متضاد^۱ استفاده کرد.

مراحل آموزش واژگان:

۱ دیر می‌تواند در آغاز از کتاب گویا استفاده کند. دانش‌آموزان تلفظ درست درس را گوش می‌کنند.

۲ سپس معلّم می‌خواند و دانش‌آموزان تکرار می‌کنند. این قرائت می‌تواند به تشخیص معلّم به همراه او و شامل گروهی از دانش‌آموزان باشد یا به صورت انفرادی انجام شود.

بخش واژه‌شناسی در کتاب معلّم

بخش واژگان در ادامه متن دروس کتاب، برای دانش‌آموز است، تا بتواند با استفاده از آنها متن‌ها را راحت‌تر ترجمه کند؛ اما بخش واژه‌شناسی در کتاب معلّم برای طرح در کلاس درس نیست. صرفاً اطلاعاتی برای دیر است که البته اگر دانش‌آموزی سؤالی بپرسد می‌تواند پاسخ آن را برای آن دانش‌آموز مطرح کند. هدف، سهولت دسترسی معلّم به پرسش‌های احتمالی دانش‌آموزان است.

۱- دربارهٔ ترادف در زبان عربی از دیرباز میان دانشمندان اختلاف وجود داشته است؛ برخی برای اسب و شمشیر و مانند آن اسم‌های بسیاری را برشمرده‌اند و برخی از میان آنها تنها یکی را اسم و بقیه را صفت دانسته‌اند. «سیبویه» می‌گوید: در کلام عرب گاهی دو لفظ گوناگون برای دو معنای مختلف و گاهی دو لفظ مختلف برای یک معنا می‌آورند که برای مورد اخیر فعل «دَهَبَ» و «انطلق» را مثال می‌زند.

از دیدگاه «سیوطی» دلیل اصلی پیدایش مترادف در یک زبان این است که دو طایفه برای یک معنا دو واژه را به کار برده‌اند، آنگاه پس از اینکه طایفه‌ها یکی شده‌اند، این دو کلمه مترادف گشته‌اند.

اما این سکت معتقد است که برخی واژه‌ها با اینکه تقریب معنایی دارند، اما حالت‌های دقیق خاص خودشان را بیان می‌کنند. مثلاً در مورد فعل «گزیدن»:

العَضُّ بِالْأَسنانِ لا بِالشفتينِ / النَّهْسُ : المَدُّ بالفمِ / النَّهَشُ : العَضُّ السَّرِيعُ / العَجْمُ : العَضُّ بِالأسنانِ لِتَنْظُرَ أ صُلْبٌ هو أم خَوار»
یا در مورد لانه:

العُشُّ : الذي يَجْمَعُهُ الطَّائِرُ مِنَ العیدانِ و غيرها فَبَيِّضُ فيه. / الوَكْرُ : في الجبلِ / الوَكْنَةُ : مواقعُ الطَّيْرِ حَيْثُما وَقَعَ.

و دربارهٔ جدا کردن واژه‌ها از هم و ارائه شیوهٔ درست به‌کارگیری آن دربارهٔ فرقی «راکب» و «فارس» می‌گوید:

«يُقَالُ: مَرَّ بِنا راکِبٌ، إذا كان على بَعِيرٍ، و الرّكَبُ أصحابُ الإبل. أما إذا كان على حمارٍ أو بغلٍ أو فرَسٍ يُقالُ: مَرَّ بِنا فارسٌ على حمارٍ أو بغلٍ أو...»

اما ابومنصور ثعالبی در کتاب «فقه اللغة» به معنای دقیق کلمات اشاره می‌کند و از به کار بردن هر کلام به جای دیگری برحذر می‌دارد، مثلاً در مورد خواب و ترتیب آن چنین می‌گوید:

«أولُ النومِ: النَّعاسُ / الكَرَى: هو أن يَكُونَ الإنسانُ بينَ النَّائمِ و اليَقظانِ / الرُّقاد: هو النَّومُ الطَّويل.»

و گاهی اوصاف یک اسم به عنوان مترادف به‌کار می‌رود که در اصل حالت‌های گوناگون آن اسم است.

تصاویر

تصاویر زیبایی کتاب در برگیرنده پیام‌های گوناگونی است و در راستای تقویت هویت ایرانی - اسلامی و با دقت فراوان گزینش شده‌اند. گاهی حساسیت تصاویر در نقد و بررسی‌ها بیشتر از متن می‌گردد.

رسالت مهم تصاویر:

۱ پیام‌های ارزشی این تصاویر موجب تقویت هویت اسلامی- ایرانی می‌شود.

۲ جذابیت این تصاویر، انتقال مفاهیم درس را تسریع و تسهیل می‌کند.

شاعر گرانمایه ایرانی، مولوی در این باره می‌فرمایند:

آنچه یک دیدن کند ادراک آن سال‌ها نتوان نمودن با بیان

اجرا: نخست روخوانی توسط دانش‌آموزان جهت تقویت مهارت شنیداری و گفتاری انجام می‌گیرد. آنگاه ترجمه هر جمله بیان می‌شود که بهتر است معلم در این مرحله نقش ارشادی داشته باشد؛ تا بتواند با ظرافت، پیوندی قوی بین سه قسمت واژگان، متن و قواعد ایجاد کند.

۳ درک مطلب

اصلی‌ترین هدف کتاب درک مطلب و فهم متن است.

۴ قواعد تحت عنوان «اعلموا»

در این قسمت، ساختار و چارچوب قواعد هر درس بیان شده است. باید توجه کرد که توضیحات این بخش تا پایان کتاب برای فهم بهتر عبارت و متن است. هدف این است که دانش‌آموز بتواند از این اطلاعات در فهم معنای جمله بهره‌بردار؛ لذا حفظ مطالب این بخش الزامی نیست و نیازی به گسترش آن نیست.

حفظ مطالب بخش «اعلموا» الزامی نیست؛ همچنین نیازی به ارائه جزوه مکمل نیست.

اجرا: معلم در این قسمت، دانش‌آموزان را در قرائت، توضیح مثال‌ها و شرح تصاویر به مشارکت می‌گیرد. قواعد به عنوان ابزاری برای رسیدن به مهارت ترجمه و درک و فهم است نه هدف اصلی، و علت نام‌گذاری این بخش به «بدانیم» در واقع کم‌رنگ کردن نقش قواعد و پررنگ کردن جایگاه ترجمه و درک و فهم است؛ لذا معلم محترم نیز باید در بیان قواعد به آنچه در کتاب آمده است بسنده کند و از بیان توضیحات خارج از کتاب و جزوه دادن، خودداری کند.

در این بخش دانش‌آموزان تعامل بیشتری دارند؛ خودشان می‌خوانند و خودشان هم به سؤالات پاسخ می‌دهند و معلّم می‌تواند نقش راهنما و مصحّح داشته باشد. در این صورت، یادگیری عمقی می‌شود.

۵ مکالمه

در این قسمت در برخی از درس‌ها مکالماتی کاربردی تنظیم شده است. در صورت داشتن وقت می‌توان از دانش‌آموزان خواست، تا آنها را حفظ کنند. معلّم است که الزام به حفظ عین عبارات کاری خردمندانه و منطقی نیست، و دانش‌آموزان باید شبیه به متون را در کلاس اجرا کنند.

۶ تمارین

هدف اصلی در این بخش از کتاب درسی، تثبیت و تعمیق یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل تلطیف و تسهیل آموزش، تلاش شده است دانش‌آموز از حلّ آنها لذّت ببرد. سعی شده است عباراتی انتخاب شود که حتّی الامکان کلمات تازه نداشته باشند، یا کم داشته باشند.

حلّ تمرین‌ها بر عهده دانش‌آموز است. معلّم راهنمایی می‌کند.

جای کافی برای حلّ تمارین پیش‌بینی شده است؛ تا نوشتن مجددِ تمارین وقت زیادی را از دانش‌آموز نگیرد. با توجّه به اینکه نوشتن عبارات عربی با رعایت اعراب برای دانش‌آموز دشوار است و شاید اشتباهاتِ اعرابی او در نوشته‌هایش به قرائت او نیز منتقل شود؛ لذا بهتر است حلّ تمرینات در کتاب صورت بگیرد؛ تا چشم دانش‌آموز به املا و اعراب صحیح در کتاب درسی عادت کند و مشکلی در قرائت او نیز پدید نیاید. پیش‌تر اشاره شد که القباوی ما عربی است؛ لذا ضرورتی که در آموزش انگلیسی برای تقویت مهارت نوشتن وجود دارد در آموزش عربی آن ضرورت حس نمی‌شود.

قالب کلی تمارین

ردیف	تمرین	قالب و الگوها
۱	واژه	۱- معنای واژه
		۲- واژگان مترادف، متضاد و ناهماهنگ
		۳- شناخت و کاربرد واژگان در جمله
۲	ترجمه	ترجمه جملات عربی به فارسی شامل: آیه، حدیث و جمله‌های معمولی
۳	قواعد	شناخت و کاربرد قواعد، شامل: شناخت فعل امر، فعل نهی، معادل فعل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی، وزن و حروف اصلی، ساعت خوانی، اسم اشاره به نزدیک و دور، کلمات پرسشی، نفی ماضی و مضارع، مستقبل اعداد، فعل مجهول، مشتقات (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم تفضیل، اسم مبالغه)، نون وقایه، جمله اسمیه (مبتدا و خبر)، جمله فعلیه (فعل، فاعل و مفعول به)، جار و مجرور اسلوب شرط و ادوات آن، معرفه و نکره، ترجمه بعد از اسم نکره، ترجمه شکل‌های مختلف فعل مضارع دارای حروف «أَنَّ، لَنْ، كَيْ، لِكَيْ، حَتَّى» و «لَمْ، لِي، لَا، إِنْ، مَنْ، مَا»، معانی افعال ناقصه با تکیه بر فعل كَانْ
۴	درک	۱- پاسخ به سؤالات عربی
	مطلب	۲- انتخاب گزینه مناسب برای پاسخ به پرسش‌های بخش درک مطلب
۵	پژوهش	ایجاد روحیه پژوهشی در دانش‌آموزان داوطلب

این بخش در ارزشیابی‌ها، معیاری برای طراحی سؤالات امتحانی است و شایسته است معلم از الگوها و قالب‌های موجود بهره‌برد و از طرح سؤالات تعریب و ساختن صیغه‌های مختلف فعل خودداری کند. ساختن اهداف کتاب‌درسی نیست.

ساختار درس

ساختار آموزشی کتاب عربی دهم عبارت است از:

اعداد ۱ تا ۱۰۰، ثلاثی مجرد و مزید، ترجمه فعل مجهول، نون وقایه، جمله اسمیه (مبتدا و خبر)، جمله فعلیه (فعل، فاعل و مفعول به)، جار و مجرور است.

و ساختار آموزشی کتاب عربی یازدهم نیز عبارت است از:

اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم تفضیل، اسم مکان، اسلوب شرط و ادوات آن، معرفه و نکره، ترجمه بعد از اسم نکره، ترجمه شکل‌های مختلف فعل مضارع دارای حروف «أَنَّ، لَنْ، كَيْ، لِكَيْ، حَتَّى» و «لَمْ، لَ، لَاءَ، إِنَّ، مَنْ، مَا»، معانی افعال ناقصه با تکیه بر فعل کان.

۷ پژوهش:

پژوهش‌های کتاب در حدّ توان دانش‌آموز داوطلب برگزیده شده است. پژوهش در درس عربی و انگلیسی بسیار سخت است، چون زبان آن فارسی نیست. لذا برخورد معلّم در اینجا باید مطابق واقعیت باشد. نمی‌توان از دانش‌آموز توقع داشت، مانند دانشجوی رشته زبان و ادبیات عرب باشد. هرچند تعداد کمی از دانش‌آموزان برای این کار داوطلب می‌شوند، ولی نمی‌توان به این دلیل کار پژوهشی را در مدارس تعطیل کرد.